بسم‌الله الرحمن الرحیم

[اضطرار به حرام 2](#_Toc433369638)

[آراء در این باب 2](#_Toc433369639)

[مرور بحث گذشته 2](#_Toc433369640)

[نظریه مرحوم بروجردی 2](#_Toc433369641)

[مناقشه در نظریه فوق 2](#_Toc433369642)

[نتیجه‌گیری 2](#_Toc433369643)

[اجوبه بحث 3](#_Toc433369644)

[پاسخ اول 3](#_Toc433369645)

[علیت بحث 3](#_Toc433369646)

[جمع‌بندی 3](#_Toc433369647)

[اقسام ادله توبه 3](#_Toc433369648)

[قسم اول 3](#_Toc433369649)

[نتیجه‌گیری 4](#_Toc433369650)

[قسم دوم 4](#_Toc433369651)

[مسلمات بحث 4](#_Toc433369652)

[طریقه حل دوم 4](#_Toc433369653)

[تشریح مسأله 4](#_Toc433369654)

[جمع‌بندی 5](#_Toc433369655)

# اضطرار به حرام

# آراء در این باب

# مرور بحث گذشته

گفتیم رأی هفتم که رأی مرحوم آقای بروجردی رضوان‌الله علیه بود، قابل مداقه و بررسی است. برای اینکه آنچه در کلام آقای بروجردی بود و منسوب است به صاحب جواهر طبق آنچه ایشان فرمودند، مشتمل بر نکته‌ای است که در بقیه اقوال وجود نداشت.

احتمالاً این نظریه را در جواهر در بحث صلات و مکان غصبی فرموده باشند. آن نکته، این بود که حرکت خروجیه حرام است یا حرام نیست؟ خطاب است یا ملاک است؟ خطاب هم خطاب فعلی است یا خطاب سابق است. این امور بحث‌هایی در طرف حرمت بود. در طرف حرمت چندین نظریه وجود داشت.

## نظریه مرحوم بروجردی

اما مرحوم آقای بروجردی می‌فرمایند همه این اقوال مربوط به آنجایی است که این شخص حال ندامت و توبه نداشته باشد. چراکه در حالت توبه طبق بیان آیه شریفه حتی تبدیل سیئات به حسنات صورت می‌گیرد.

## مناقشه در نظریه فوق

اما شبهه‌ای که در اینجا وجود دارد این بوده که ظاهر ادله توبه‌این است که ندم و پشیمانی بعد العمل آثار عمل گناه را زائل می‌کند. ظاهر ادله توبه‌این است و بحث نهی‌ای موجود نیست. و توبه متأخر از عمل منهی و معصیت مشمول آن خطابات و ادله است.

در این میان ادله می‌گوید بعدازاینکه کسی گناه انجام داد، ندم و پشیمانی او آثار آن را زائل می‌کند.

## نتیجه‌گیری

 پس محط و پایگاه اصلی توبه و آثاری که تولید می‌کند، توبه متأخر از عمل است. لذا زمانی که عمل انجام‌شده است، توبه آن را تغییر می‌دهد و گناه و عقاب را برمی‌دارد و احیاناً تبدیل به حسنه می‌کند.

## اجوبه بحث

اما در اینجا فرض بر این است که این عمل هنوز انجام‌نشده است. لذا تعارض و نقض غرضی شکل می‌گیرد. این اشکالی است که به استدلال آقای بروجردی متوجه می‌شود. اما این اشکال با چندراه قابل دفع است.

## پاسخ اول

جواب اول این است که کسی بگوید که اصلاً ادله توبه به لحاظ لفظی نسبت به تأخر از صدور گناه یا عدم تأخر اطلاق دارد. اما در طرفی دیگر می‌توان گفت که ولو لفظ شمول دارد. ولی پایبند بودن به شمول بیان‌شده، نقض غرض است.

## علیت بحث

چراکه معنایش این است که حداقل برای آدم‌هایی که یک نوع مایه دینی دارند، گناه و خطابات بی‌خاصیت است. چون با همین توبه اثر عقاب را برمی‌دارد و گویا نتیجه ضد می‌دهد.

 به خاطر این‌که قرینه عقلیه وجود دارد که گویا شمول توبه مستلزم این است که گناه بی‌خاصیت شود.

## جمع‌بندی

پس علی‌رغم اینکه دلیل اطلاق دارد، قرینه لبیه می‌گوید نمی‌تواند توبه ناظر به عمل فعلی یا عمل استقبالی باشد.

لذا این حالت فقط ناظر به عمل ماضی و گذشته است. و اشکالی که به این پاسخ وجود دارد، این است که این بازگشت که مفهوم توبه است، معلوم نیست اطلاق داشته باشد و حال و بعد را بگیرد.

## اقسام ادله توبه

بنابراین در ادله توبه به‌نوعی معنای ماضویت اخذشده است. اما به نظر می‌آید شاید بشود ادله توبه را به دو گروه تقسیم کنیم؛

## قسم اول

 ادله‌ای که عنوانی مثل توبه و رجوع و امثال این موارد دارد که در مفهومشان تأخر از گناه نهفته است و این بحث در قبال آن درست نیست.

## نتیجه‌گیری

لذا این‌یک بحث است که با تردید از آن عبور می‌کنیم. برای اینکه اگر عنوان ما توبه باشد، این پاسخ که داده شد، درست نیست. توبه اطلاق ندارد، چراکه ظهورش در تأخر است،

## قسم دوم

ولی اگر عنوان‌هایی مثل ندم، استغفار و از این قبیل داشته باشیم، این استدلال شاید خیلی بی‌ربط نباشد و تا حدی نیز قابل‌قبول است.

## مسلمات بحث

آنچه مشهور است این است که این مفهومش مفهومی است که ذاتاً بر متأخر از عمل صادق است و اگر این‌طور باشد، این استدلال تمام نیست. ولی بعید نیست ما مفاهیمی بتوانیم پیدا کنیم که متقوم به این تأخر نیست. مفروض ما از توبه‌ای که می‌گوییم، این است که فرد بناست جبران کند و شرایط توبه در مورد جمع شده است.

این وجه پاسخ اول است که عرض کردم. شاید راهی بشود، برای تصحیح این پاسخ درست کرد.

## طریقه حل دوم

 راه دوم این است که توبه را به همان مفهومی که تاکنون در ذهن و ارتکاز اولیه ما بوده است، حمل کنیم. توبه یعنی عملی که بعدازاینکه کسی مرتکب معصیت شد، ندم و پشیمانی دارد. منتها اینجا این‌طور استدلال می‌کنیم که عقلاً یا عرفاً این فعل در حکم توبه‌ای از آن فعل است.

## تشریح مسأله

در حقیقت در اینجا فرد فعلی انجام داد و غاصبانه وارد شد، این درگرو اختیار او بود. لذا این خروج دیگر اختیاری مستقیم نیست. ممکن است کسی بگوید توبه او نسبت به آن فعل قبلی مستقیم انجام‌شده است و این توبه ملازم است با توبه از این فعلی که دیگر قهراً دنبال او می‌آید.

## جمع‌بندی

 بنابراین با یک قرینه لبیه و ارتکاز، ولو اینکه توبه به بعد العمل است، ولی اینجا تعمیم پیدا می‌کند به عملی که دیگر الآن در اختیار او نیست. عملی که درواقع همان عمل قبل است.

بنابراین، ممکن است بگوییم یک ارتکاز عقلی، عقلایی بر این وجود دارد که در اینجا توبه را تعمیم می‌دهیم. و لااقل این است که ملاک توبه در اینجا هست.